

# فلسفه بعثت پیغمبر انصاع

## از طبقه گم ثروتان

چنانکه حضرت امیر مومنان ع در ضمن خطبه‌های شریفه خود اشاره فرموده است خداوند متعال اغلب پیمبران اولی العزم خود را از طبقه فقراء، و اشخاص بی ثروت، و بی بضاعت مبعوث فرموده است و البته تمامی کارهای خداوند حکیم از روی حکم، و مصالح لازمه بوده، و میباید، و همین موضوع هم حائز بسی فواید مهمه است یکی آنکه پیشوای متقیان ع ص در ضمن کلمات پر بهاء خود تصریح فرموده و خلاصه اش آنکه خداوند متعال هر گاه نمایندگان خود از سلسله سلاطین انتخاب میفرمود اشخاص بی حقیقت هم برای تقرب بحضورشان و نائل گشتن بمراتب دنیویه و جمع زخارف آن تصدیق بایشان مینمودند مؤمن حقیقی که از روی معرفت، و صدق، و صفاء تصدیق نموده از غیر آن تشخیص نمی یافت این است که از زمره فقراء که ظاهراً در انظار حقیرند آندوات مقدسه را انتخاب و گردنکشان عالم، و قهرمانان دوران را امر باطاعتشان فرموده مثلاً حضرت موسی را که ظاهراً چوپان شعیب بوده با کلاه نمودی با جبهه پشمی و در دست مبارکش عصای چوبی ( که بواسطه آن بحفاظت گوسفندان قیام میفرمود ) مأمور بدعوت فرعون و فرعونیان فرمود و همچنین حضرت نوح نجار و حضرت عیسی خانمان ندیده را برانگیخته فرمود و عموم اشراف و اعیان مملکت را دعوت باطاعت خود و اذعان برسالت خویش نموده

و هکذا حضرت فخر کائنات ص ع در انظار فرعون صفتان قریش از پدر و مادریتیم و اجیر حضرت خدیجه ص ع و از این جهت اغلب بزرگان مکه سر از اطاعت او امر حقه او برمی پیچیدند و علناً می گفتند

﴿لَوْلَا نَزَلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقُرَيْتَيْنِ عَظِيمٍ﴾

یعنی چرا این قرآن یکی از بزرگان مکه، و طائف نازل نگردیده در جوابشان هم خداوند متعال فرمود بشما چه ربط دارد مگر شما حکم فرمای بارگاہ ایزدی میباشید، و رحمت خداوند متعال بشما سپرده گشته که تقسیم بنمائید (چنانکه میفرماید)

أَهْمُ يَقْسِمُونَ (۱) رَحْمَتِ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ

لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ سَخِرِيًّا وَرَحْمَتِ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْعَلُونَ

و همچنین فرعون میگفت (الیس لی ملک مصر و هذه الانهار تجري

من تحتي افلا تبصرون ام انا خير من هذا الذي هو مهين

ولا يكاد يبين فلو لا القي عليه اسورة من ذهب او جاء

معه الملائكة مقترنين .

(۱) این آیات شریفه در سوره زخرف است و خلاصه معنا آنکه آیا ایشان

قسمت مینمایند رحمت پروردگارا (یعنی بهر که میخواهند نبوت و رسالت بدهند

یا سایر شئونات ببخشند مختار و مجازند)

و حال آنکه ما اختیار معیشت دنیا را بایشان واگذار نموده ایم و خودمان

بین ایشان قسمت فرموده ایم در زندگانی دنیا و از این حیث بعضی را از بعضی بالاتر

نموده ایم تا اینکه برخی از ایشان مسلط به بعضی شده و او را مسخر نمایند، و حال آنکه

رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه ایشان جمع مینمایند

خلاصه آنکه قسمت دنیوی را بآن حقارتش در دست خلق قرار نداده ایم پس

چه گونه ممکن است که قسمت امر نبوت و وحی را بایشان بسپاریم .

یعنی آیاملك مصر مال من نیست و این نهرها و چشمه از تحت وزیر عمارات من جاری نمی شوند آیا من بهترم از این شخص خوار و ذلیل (حضرت موسی) که حرف خود را نمی تواند اظهار نماید پس چرا او بازوبند های طلا عطا نگردیده یا ملائکه با مصاحبتش نیامده اند؟

توضیح اینکه هر گاه حضرت محمد مصطفی ص ع مثلاً قبل از قیام با مرد عوت يك سلطان مستقل و صاحب لشکر مستعد، و ثروت فراوان بوده و شرق، و غرب عالم را مسخر، و برسالتش هزاران نفوس بشری را مدعین، و نفوذ کلمه حق را در جمیع آفاق بجاوه عیان می آورد گمان میرفت که اینها همه بواسطه مساعدت اسباب ظاهر به حاصل گردیده، ولی با آنکه آن حضرت بی مدد تنها، و غیر از خداوند متعال یار و یاروری نداشت و در بدو دعوت مصدقش ظاهر آ يك بچه ده ساله (حضرت امیر مومنان ص ع و يك زن چهل ساله) خدیجه کبری ص ع بود، و عموم قبایل قریش که بنی اعمام او محسوب می شدند بلکه عموم اهل عالم، و تمامی ملل مخالف، و معاندش بودند، و سیزده سال در مکه معظمه بعد از ابتلاء بهزاران مصائب فوق الطافه بغیر از مواعظه حسنه و تبلیغات خوش و مجادله باللثی هی احسن اقدامی نمی فرمودند، و هر قدر که دشمنانش میخواستند که پرده بروی حقائق بکشند، و مهر درخشان را در پس ابرهای متراکمه اغراض خویش مستور دارند روز بروز بتجلیات آن افزوده میگشت، و مصداق جاء الحق و زهق الباطل بعرضه شهود می آمد و حقیقت کتب الله (۱) لاغلبینا ناورسلی و (انا کفیناک) (۲) المستهزئین (۳) و الا ان حزب (۳) الله هم الغالبون و هکذا مفهوم سایر آیات کریمه بمنصه عیان می رسید و فلذا حقانیت دین مبین اسلام، و خلوص، و صفاء، و صدق رسالت آنحضرت بعموم واضح و مبهرن شد

۱- یعنی خداوند تمام نوشته من محققاً غلبه خواهد نمود و سفيران او هم غالب و قاهر خواهند شد

۲- بدرستی که ما آفایت نمودیم تو و از شر استمراء کنندگان دشمنان تو فرودیم

۳- لشکر خدا و حزب پروردگار غالبند •

# اخبار غیبی قرآن

## یا فایده دیگر

در تمامی ادیان از جمله نشانه حقانیت رسول الهی صدق غیب  
گوئی او تحقق گفتارهای متین او در آینده است .

چنانکه در تورا به حاضره که معتقد علیه کلیه نصاری و یهود است این مطلب را  
علامت حقانیت مدعی رسالت قرار داده و ما در کتاب های سابقه خود عین عبارت  
آن را نگاشته و جمله از اخبارات غیبیه حضرت ختمی مرتبت صم ع درج نموده و  
مبرهن گردیم که مسیحیان هر گاه بطور حقیقت بکتابهای خویش تصدیق مینمودند  
البته طریقه اسلام را پیش گرفته بدین مبین معتمد میشدند چه که کتب حالیه شان  
هم تصدیق حضرت رسول اکرم صم ع مینماید -- باینکه هزاران دست تحریف بر  
آنها بر خورده باز عنایت الهی پاره علائم حقانیت دین اسلام را از تغییر مصموم  
و محروس داشته .

پس اگر حضرت مصطفی دارای سلطنت بسی عالی بود و از ظهور و غلبه  
دینش بر تمامی ادیان اخبار میفرمود همچنین تصور میشد که آنحضرت بواسطه  
مساعات اسباب ظاهریه حدسا این خبر را داده و حدسش مصادف واقع گشته ولی  
آنکه مبتلا بفشارهای گوناگون بود و از هر طرف هجوم می آوردند که آن  
نور درخشان را خاموش نمایند علما فرمود

(هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره  
علی الدین کله ولو کره الکافرون)

یعنی آنخدای چنانی است که رسول خود را به هدایت دین حق ارسال فرمود

تا اینکه اورا ظاهر و غاب کند تمامی ادیان و اگر چه کافران این امر را مکر و هوارند در اندک زمان پیش گوئی آنحضرت بجلوه عیان آمد، به موم منصفان صاحب دل واضح گردید که روح پر نور آنبزرگوار از پیشگاه قدس مستنیر و بواسطه وحی الهی از آینده مستحضر بوده

### ( فایده دیگر )

بعث پیامبران از کم ثروتان بهترین مایه تسلی بفقراء و بزرگترین موجب عدم طغیان اغنیاء است چه از باب عزت و جاه نظر بر اینکه زبده های نوع انسان از سلسله فقراء بظهور رسیده اند طغیان نورزیده و شرافت، و عزت را در جمع مال ندانسته علاوه از اینکه از برادری و اخوت بی بضاعتان استنکاف ننموده در تحصیل کمال و معرفت جدیت مینمایند و فقراء هم بهمین ملاحظه دلتنگ از فقر خود نشده و چشم از اموال دیگران پوشیده عمده نظر بر تحصیل علم، و تقوی می گمارند

### فایده بعثت حضرت خاتم النبوه از ملت عربیه و صفحه حجاز

چنانکه بر آشنایان از تواریخ ملل و اقوام واضح و روشن است که جماعت عرب خاصه صفحه حجاز در دوره بعثت از وحشی ترین مردم، و جاهلترین ناس از علوم، و معارف بودند و این مسئله باندازه واضح است که احتیاج به بیان، و شرح و بسط ندارد پس خداوند متعال از میان همچو جماعتی و از همچنین افق تاریک بواسطه مهر درخشان محمدی صمغ انوار علم، و اشعه معارف بی پایان را تا آخرین زوایای دنیا تابان فرمود بطوری که سایر انوار در زیر پر تو آن مضمحل، و معدوم گردید تا همه بدانند و بفهمند که علوم آنحضرت بوسیله افاضات الهی بوده، نه بواسطه کسب و تحصیلات ظاهری و معلم و مدرس آنبزرگوار خود حضرت اقدس ایزدی بوده نه علماء بشری و هر گاه آن آفتاب تابان از افق های درخشان